

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز عرض شد که در مسئله لحاظ استطاعت به طور کلی و به اعتقاد بنده و آن نظره عرفیه در آیه شریفه که می فرماید ... **وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا ...** ﴿آل عمران، ۹۷﴾ این من استطاع الیه سبیلا قسم اول از دو قسم تقید است. کاری به آیه قبل و تصریح آیه قبل نسبت به کیفیت استطاعت نداریم. آیه قبل می فرماید که **وَ اذِنَ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَّ عَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ** ﴿الحج، ۲۷﴾ از هر بقعه‌ای در بقاع ارض و نقطه‌ای از نقاط ارض، فج عمیق یعنی همین دیگر، یأتوک رجالا با پای پیاده باید رجالا بیاید و علی کل ضامر یعنی به ای نحو کان و به ای قسم و به ای کیفیه و اذن فی الناس یأتوک، خوب در اینجا می بینیم که تصریح شده و تصریح به رجالا شده یعنی با مشی و همین طور با وسیله ناهموار شده، نه هواپیمای بیزینس کلاس امریکایی شیک با پذیرایی مخصوص و ویژه، نه، یأتوک رجالا و علی کل ضامر یعنی شتر از کار در رفته و لنگ که دارد می ماند، این جور باید بیایند به حج! ببینید این نکات، نکاتی است

که فقیه باید این نکات را در نظر بگیرد و میزان  
اهتمام شارع را نسبت به تکلیف تشخیص بدهد، به  
این نحو است.

خب در این مسئله شما می بینید در مورد و لله  
علی الناس حج البیت من استطاع می آید حالا این دو  
آیه را شما در نظر بگیرید، ما سراغ روایات هم  
می رویم. در یک آیه می فرماید که و اذن فی الناس  
بالحج یا توک رجالا و علی کل ضامر یأتین من کل  
فج عمیق، از تمام نقاط بایستی که بیایند آیه صراحت  
و دلالت دارد به ایّ نحو کان، این طرف می فرماید که  
ولله علی الناس حج البیت من استطاع هر کسی که  
می تواند این دو آیه را در نظر بگیرید استطاعت چه  
معنایی پیدا می کند همه یک آیه است دیگر،  
استطاعت می شود چی؟ به شرط هواپیمای بوئینگ  
۷۴۷ یا اینکه استطاعت می شود خر مرده، استطاعت  
می شود لنگان لنگان رفتن؟ کدام یک از این دو تا  
است؟ آیه صریح دارد می گوید من از خودم  
نمی گویم این صراحت آیه است آیه قرآن هم هست  
ابی بصیر و سکونی هم نقل نکردند خود آیه است و  
جبرئیل هم وحی آورده بر پیغمبر و نه سند خورده

نه موثق و نه هیچی روایت مرسل و اینها هم نیست  
این استطاعت را چه فرموده؟ به معنای توان اگر شما  
توان داشتید برای کسی که توان دارد و می تواند این  
آن چیزی است که ما از آیه می فهمیم، اولاً بلا اول  
بدون مراجعه به روایت، بدون مراجعه به مردم و  
افکار مردم، ما هستیم و این آیه هم در زمان پیغمبر  
صلی الله علیه وآله آمد و ائمه علیهم السلام هم با  
همین قرآن با مردم صحبت می کردند، همین قرآن،  
این روش به اصطلاح تخاطب با مردم بود. حالا با  
توجه به این قضیه استفاده ما از این آیه، آیا رفتن به  
حج با اطمینان با استکانت با مهیا بودن همه چیز و با  
در اختیار داشتن همه وسایل و همه امکانات با  
آرامش خاطر نسبت به همه امور است؟ این  
استطاعت را شما شرط برای وجوب می دانید؟ پس  
این با صریح آیه چه می فرماید علی کل ضامر و  
یأتوک رجالاً با این چه می گوید؟ اگر این است معنا  
که می گویند که فرض کنید که زاد و راحله باشد و  
مؤنه برای عیال و قوت عیال باشد و مؤنه برای  
برگشت هم باشد و در این جا بتواند تخلیه سرب و

امثال ذلک و این مسائلی که در اینجا هست، ببیند با این کیفیت اگر باشد اگر این استطاعت مورد نظر هست این استطاعت را شما از کجا در می آورید و از کجا استفاده می کنید؟ آیه این را می گوید، روایت هم که ما هنوز نیامده ایم راجع به روایت صحبت کنیم ببینیم مقصود و منظور امام علیه السلام از تفسیر این استطاعت چیست؟ و اینها که رفتند پیش ائمه علیهم السلام سوال کردند چیست، در باره خود این آیه ما وقتی که صحبت کنیم من از شما سوال می کنم یعنی واقعا سوالم از شما این است، شما این دو آیه را در کنار هم می گذارید، این استطاعت آیا آن آیه تفسیر این استطاعت نیست؟ و اذن فی الناس بالحج یأتوک رجالا و علی کل ضامر یأتین من کل فج عمیق؟ خوب این آیه که دیگر اخلاق و شعر و معر و اینها ندارد، حکم است دیگر، حکم صریح نسبت به این مسئله، این نسبت به این آیه.

پس استطاعت در اینجا به استطاعت به آن معنایی که می بینیم الان مصطلح است و در بین فقها مطرح است آیه آن استطاعت را نمی رساند این تا اینجا بحث مربوط به آیه حالا روایت بماند فعلا

بحث روایت نداریم پس تا اینجا متوجه می شویم آنچه را که گفته شده است که شخص باید تحصیل زاد و راحله داشته باشد و بدون آن استطاعت حاصل نمی شود، مؤنه قوت عیال، مؤنه برگشت، مؤنه نمی دانم عمه خاله دایی نمی دانم این حرفها این چیزهایی را که الان مطرح هست در میان مردم و شنیده شده است که نعوذ بالله یک کسی هم بیاید در اینجا بگوید که آقا در اول شوال تو می توانی اسقاط استطاعت کنی!! آن که دیگر بماند، حالا مسئله بماند این استطاعتی که الان در میان عرف و عوام و اهل علم مطرح است قطعاً این استطاعت با صریح آیات منافات دارد چون آیه می فرماید مشیاً هم که شده باید بروی، علی کل ضامر شده هم باید بروی و این استطاعت با آن استطاعت منافات دارد و در مقابل هم قرار دارد. این بحث مربوط به استطاعت. البته همان طوری که عرض کردم نکات دیگری در اینجا هست که چرا ناس گفته، که اینها بحثهایش همه قبلاً شد.

حالا می آییم سراغ روایات:

که یکی سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و

ائمه عليهم السلام است در مورد حج.

و دوم روایاتی که اینها به مخاطبین القاء کردند.

اگر یاد رفقا باشد در سابق گفتیم که حجی که

رسول الله صلی الله علیه و آله انجام می دادند با اهل

مدینه، بسیاری از آنها زاد و راحله نداشتند با پای

پیاده می آمدند و بخاطر نداشتن زاد و مؤنه برای سفر

در حال روزه با دانه خرما افطار می کردند، روایاتی

که در زمان پیغمبر است از امام صادق و امام رضا

علیهما السلام انشاء الله که یادمان نرفته در روایاتی که

مربوط به کراء الغمیم در آنجا که آمدند و شکایت

کردند، از تعب مشاة آمدند و شکایت کردند و رسول

خدا دستور داد که در یک جا توقف کنند و تجدید

قوا کنند و بعد دوباره حرکت کنند و به آنها گفت

عیب ندارد شما عقب تر بیایید و هر جا خسته

می شوید در آنجا توقف کنید و بیایید رسول الله صلی

الله علیه و آله هفتاد فرسخ بین مدینه و مکه را با

اصحاب خودش [به صورت] مشاة آمد و مشیاً طی

کرد و وجوب حج را مشیاً به اینها القاء کرد، این

وجوب کجای این زاد و راحله بود؟ و رسول خدا

صلی الله علیه و آله کی دستور داد؟ مگر حکم حج

در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله یا در زمان امام صادق علیه السلام فرق می کند؟ حج، حج است دیگر، اگر بر کسی واجب باشد واجب است اگر هم که نباشد که نباشد، دیگر این طور نیست که زمان، اگر در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله بگویند فقرا بودند بر فقرا که حج نیست! اگر معنای استطاعت این است، حالا در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله افراد تمکن نداشتند، خوب حج واجب نیست! مثل اینکه در زمان رسول خدا هر کسی دیسک بگیرد باید نماز ایستاده بخواند [ولی] در زمان امام صادق علیه السلام که می رسد باید بخوابد! کسی که دیسک می گیرد باید بگیرد بخوابد حالا چه زمان رسول الله باشد باید صلاه مستلقیا بخواند چه در زمان امام صادق باشد باید صلاه مستلقیا بخواند این فرق نمی کند مریض مریض است هر شخصی در زمان پیغمبر، و ان کتم مریضا او علی سفر باید افطار بکند در زمان امام صادق هم باید بکند نه اینکه بگوییم احکام عوض شده. بعضیها آمدند این طور توجیه کرده اند!!

تلمیذ: مصالح صدر اسلام فرق دارد با مصالح  
وقتی که اسلام مستقر شد.

استاد: ببینید آن مسئله مربوط می‌شود به آن  
کیفیت حج و شعائر بودنش و آن که باصطلاح کعبه  
و اینها خالی نباشد و زائر داشته باشد

تلمیذ: می‌خواهم ببینم شما منظورتان غیر از آن  
است؟

استاد: نه نه نه حتی آنهایی که این مسئله را گفتند  
اصلاً این به اصطلاح نظرشان نبوده فقط این بوده که  
آنها چون فقیر بودند، لذا در آن موقع رسول الله  
اجازه داد. فقر، فقر است، فرق نمی‌کند چه در زمان  
پیغمبر است کسی که راه بیاید پایش درد می‌گیرد  
حالا کسی که در زمان پیغمبر است پایش درد  
نمی‌گیرد در زمان امام صادق یک دفعه درد زانو و  
آرتوروز و اینها پیدا می‌شود؟ هر دو مورد.

تلمیذ: این را نمی‌گوییم، می‌گوییم آن برای  
استقرار اسلام...

استاد: برای استقرار اسلام، یک مسئله دیگر است  
که حاکم واجب است در صورت خلوت بودن  
افرادی را بفرستد و اجبار کند از بیت المال هم بدهد

آن یک مطب دیگر است که در آنجا هم صحبت شده، دیروز هم همین مطلب عرض شد که چطور در بعضی موارد.... البته باز هم می‌آید چون شبهه اینکه آیا این افراد حجتان حج ضروره است یا حج استحبابی است ولی الزامی است به واسطه مصالح که در اینجا با توجه به جمع بین روایات که روایات می‌فرماید سه روایتی که از امام رضا علیه السلام است که انما فرض الله الحج مرة واحدة در جمع بین اینها خوب ما می‌توانیم بگوییم که منظور از روایاتی که دارد که بر حاکم اسلام واجب است در صورت خلوت بودن بیت و عدم ازدحام از حاج، افرادی را الزام کند برای حج و حتی اگر فقیر باشند از بیت المال بدهد.

تلمیذ: منظورم این نبود، منظورم این بود که چون در آن موقع اسلام تازه بود برای اینکه مکه شلوغ بشود و عده مسلمین زیاد بشود و در قبال کفار و مسلمین، اظهار قدرت کند یعنی اعمال قدرت کند و باعث گسترش و استقرار اسلام بشود.

استاد: ببینید عرض بنده این است که حج حکم

شرعی یسقط عند الاستطاعة و لایجب علیه الاعاده  
این شخصی که الان بخاطر مصلحت آمده با رسول  
خدا مشیاً بدون راحله که فرمایش امام صادق علیه  
السلام که الاستطاعة هو زاد و راحله بدون رسیدن به  
استطاعتی که امام صادق علیه السلام می فرماید البته  
قبلاً صحبت کردیم که اصلاً استطاعت زاد و راحله  
نیست و حتی مشیاً هم نیست و حتی امروز هم  
نمی دانم برسیم یا نه به آن روایاتی که دلالت می کند  
بر اینکه حتی ادنی از این هم باشد حج واجب است  
آنها هم در این زمینه ما داریم ما حالا به این کار  
نداریم ما فعلاً به روایت امام صادق علیه السلام کار  
داریم. امام صادق علیه السلام می فرماید هو زاد و  
راحله و این در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله  
حاج به طور مشیاً خوب این مشاتی که به طور مشیاً  
آمدند و رسیدند و به حدی بود که حتی قوت هم  
نداشتند از شدت گرسنگی بعضیهایشان به تعب  
افتادند و در عین حال رسول الله صلی الله علیه و آله  
اینها را آورد و اینها حجة الاسلام را انجام دادند آیا  
این حجة الاسلام مجزی است یا نه.

تلمیذ: مصالح عمومی.

استاد: مصالح را، ببینید در وهله اول ما نسبت به اصل حکم ما نسبت به اصل حکم نگاه می کنیم که این حجتی که الان انجام داد از دو حال خارج نیست یا حجة الاسلام هست یا نه اگر حجة الاسلام هست پس بنابراین این حجة الاسلام بدون شرایط انجام داده چطور مسقط است اگر حجة الاسلام نیست چرا رسول خدا نگفت دوباره باید حج را انجام بدهی؟ مگر در مورد افراد دیگر مثلا در مورد غلام ما نداریم که اذا اعتق يجب عليه الاعاده

تلمیذ: استحباب که....

استاد: مستحب نه، واجب ما بحثمان بحث وجوب است در مورد صبی در مورد مراهق مگر ما نداریم که اذا بلغ يجب عليه الاعاده در مورد ناصبی به اصطلاح وقتی که حج انجام می دهد مگر نداریم يجب عليه الاعاده وقتی که مستبصر بشود در مورد کسی که او را ببرند نه اینکه بذل مال کنند فرق می کند یک وقتی یک شخصی بذل مال می کند هبه می کند شخص تملک می کند یک وقتی نه می گوید بیا با خودمان برویم ما داریم با ماشین می رویم تو هم بیا

سوار شو برویم برای کسی که او را می‌برند، مگر نداریم واجب است که برود و اگر مستطیع شد واجب است دوباره اعاده کند غیر از کسی است که بذل مال است در صورت بذل مال لایجب علیه الاعاده ولی در این صورت واجب است خوب اینها واجب است یعنی چه؟ یعنی آن حکم اول آن حجة الاسلام لولائیه است اگر مستطیع نشدی آن حج حجة الاسلام و الا این حجة الاسلام به حساب نمی‌آید حالا این فردی که مشیا با رسول الله رفته و حج را انجام داده آیا این فرد اگر بعداً زاد و راحله پیدا کند يجب علیه الاعاده او لا؟ جواب من را بدهید نمی‌توانید شما بگویید يجب علیه الاعاده! آن حکمی که پیغمبر صلی الله علیه و آله در آنجا کرد و ارتباطی که پیغمبر صلی الله علیه و آله داشت و آن برخورداری که پیغمبر داشت برخوردار حجة الاسلام بود این افراد بیایند و حجة الاسلام، هیچ ما نداریم که رسول الله صلی الله علیه و آله به آنها گفته باشد که اگر زاد و راحله پیدا کردید و وضعتان خوب شد دوباره باید انجام بدهید، این یک مطلب دیگر است ان الله فرض الحج علی اهل جده فی کل سنه آن یک بحثی است

که حالا ما می آییم آن را می خوانیم یعنی بحث بحث  
دقیق است ولی اینکه بیاید رسول الله صلی الله علیه  
و آله بگوید، این را من قبول ندارم، به عنوان  
حجة الاسلام به عنوان مصالح بیاید حالا اگر هم شده  
پر کنید و همه چشم اینها را بگیرد و همه ببینند که  
حج به اصطلاح چیز شده و این حرفها، فعلا بیاید  
ولی بعدا وقتی که دیگر همه آمدند آن موقع دیگر  
تکلیف مجدد برای شما عارض می شود، در صورت  
استطاعت تکلیف مجدد پیدا می کنید. چطور اینکه  
خیلی از افراد می گویند طرف رفته به عنوان اینکه  
آشپز کاروان می گویند که آقا رفتی ولیکن دوباره باید  
بروی انجام بدهی اگر که مستطیع بشوی مگر  
نمی گویند؟ الان خوب می گویند دیگر! یا اینکه  
طرف فرض کنید که رفته به عنوان مُبَلِّغ می گویند  
اشکال ندارد ولی بعدا که مستطیع می شوی دوباره  
باید انجام بدهی، رفته و همین طور به عنوان پزشک  
رفته فرض کنید که می گویند دوباره باید برود ما که  
تمام اینها را گفتیم اینها حجة الاسلام هستند، همه  
اینها حجة الاسلام هستند.

ولی صحبت در این است که حجی که مشیا در  
زمان رسول الله صلی الله علیه و آله آن هم با این  
کیفیت بود آیا حجة الاسلام بوده یا نبوده؟ خب قطعاً  
بوده، وقتی قطعاً بوده چطور با روایت امام صادق  
علیه السلام که می فرماید هو زاد و راحله این جور در  
می آید؟

اللهم صل على محمد و آل محمد